

مراسم ترحیم آیت الله مؤمن برگزار شد

پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: مراسم ترحیم و بزرگداشت عالم ربانی و فقیه پارسا آیت الله محمد مؤمن قمی، عضو فقید شورای نگهبان صبح پنجشنبه با حضور مقام معظم رهبری در حسینیه امام خمینی (ره) برگزار شد. در این مراسم...

صفحه ۲

شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۷ • ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۴۰ • ۲ مارس ۲۰۱۹



سیدحسن خمینی:

کنشگری سیاسی بدون وجود احزاب به پوپولیسم می انجامد

گروه سیاست: کنگره حزب راه ملت روز پنجشنبه هفته گذشته با حضور چهره های اصلاح طلب در حالی برگزار شد که هم محسن آرمین به عنوان سخنران بر موضوع تقویت جامعه مدنی تاکید کرد و هم سیدحسن خمینی در پیامی...

صفحه ۲

سال شانزدهم • شماره ۳۳۷۹ • ۱۶ صفحه • ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

مسئله ظریف نیست!

احمد غلامی . سردبیر



با اینکه حسن روحانی فرد قدرتمندی است؛ اما دولتش ضعیف تر از دولت های گذشته است. دولت های بعد از انقلاب خواسته یا ناخواسته پس از پیروزی در انتخابات، دو رویکرد را برای تشکیل دولت و ادامه راه خود انتخاب می کنند؛ انتخابی یا مشورتی، رویکرد انتخابی بیش از هر چیز بر مردم رأی دهنده تکیه دارد و رویکرد مشورتی در کنار مردم به نهادهای رسمی توجه ویژه ای می کند. انتخاب هریک از این شاخص ها بیش از هر چیز به شخصیت فردی و خاستگاهی که رؤسای جمهور از آن برخاسته اند، بازمی گردد. دولت خاتمی رویکردی غالباً انتخابی داشت که با آن هشت سال دوره اصلاحات را با همه فراز و نشیب هایش پشت سر گذاشت. دولت سازندگی مبتنی بر شخصیت فردی آیت الله بود. او با رویکرد ویژه خود، تکنوکرات های جوان را روی کار آورد که حضورشان در عرصه های سیاسی، نظامی و اقتصادی به شدت احساس می شد. دولت احمدی نژاد نیز رویکردی دوگانه داشت؛ هم انتخابی عمل می کرد و هم مشورتی. چهره هایی از دولت نهم و دهم حمایت می کردند که توان آنها فراتر از احمدی نژاد و دولتش بود. از این رو رئیس این دولت بسیار تلاش کرد تا نشان بدهد جنمی از جنس دیگر دارد. او بیش از آنکه متکی به حامیانش باشد، متکی بر خود است. شاید تصمیمات غیرمنتظره احمدی نژاد، برای پرکردن همین خلأ قدرت و نداشتن اعتماد به نفس بود. احمدی نژاد از جنبه های متفاوتی قابل تحلیل است؛ مردی که تشنه محبوبیت بود، عوام را ستایش می کرد؛ اما باوری به آنها نداشت. او طالب هاله قدرتی بود که عوام برمی انگیزختند تا با آن اعتماد به نفسش را باز یابد. حسن روحانی درست نقطه مقابل احمدی نژاد است. چندان تمایلی به محبوبیت ندارد و سرشار از اعتماد به نفس است. از همین جا عیان می شود که خاستگاه رؤسای جمهور چه نقش بنیادینی در ستنی اش. خاتمی فرزند یک روحانی شریعت مدار است. آن هم از شهری که دین به شکل و شمایل سنتی ریشه در باورهای مردمش دارد. رویکرد سیاسی هاشمی و روحانی بسیار نزدیک به هم است. هر دو به ساختار نظام باور دارند و در بحرانی ترین لحظات هم ساختار شکنی را توصیه نمی کنند. شاید این روحیه و روش از مدیریت بر نهادهای امنیتی و نظامی نشئت گرفته باشد؛ اما آنها با رویکرد مشابه تا حدودی به نتیجه ای متفاوت رسیده اند. آیت الله توانست دولت مقتدری ایجاد کند و مسیر تحولات جامعه را آن گونه که باور داشت، مدیریت کرد. روحانی تاکنون تمام و کمال این گونه نبوده است. برخی معتقدند چون او با توان مردمی اصلاح طلبان روی کار آمده است، از گرفتن تصمیمات تنش زا بپرهیز می کند. بعید است این باور قرین به واقعیت باشد. روحانی از جایگاه خود آگاه است. او بیش از هر چیز خود را منجی اصلاح طلبان می داند؛ اگر ضعف دولت دوازدهم از خود کم بینی در مواجهه با اصلاح طلبان نیست؛ پس از کجا ناشی می شود؟ دولت دوازدهم دولت مقتدری نیست؛ از آن رو که روحانی مرد روی صحنه نیست. او مرد پشت صحنه بوده و هست. روحانی میانه ای با سیاست های علنی ندارد. به تبع آن باوری هم به سیاست های تودهای ندارد؛ بستر سیاست فشار از پایین، چانه زنی در بالا. او حتی این سیاست را مذموم هم می داند. باور دارد که قادر است مسائل را پشت پرده حل و فصل کند. روحانی در برابر هر ایده ای که منجر به تحریک مردم شود، محتاط است.

ادامه در صفحه ۲

تیتراها

برای اولین بار در دولت روحانی

شاخص رفاه تغییر کرد

صفحه ۴

روایت کدخدایی از بازشماری صندوق ها پس از انتخابات ۸۸

صفحه ۲

منو تو فروختی به ایل؟

صفحه ۱۳

حمله صداوسیما به استعفای ظریف

صفحه ۲



تحلیلی از احمد پورنجاتی

چالش «ترس و شرم» در مصاف بیماری

بیماری را نباید انکار یا حتی پنهان کرد؛ یعنی نه می توان نادیده اش گرفت و نه از سر لجبازی به آن بی اعتنایی کرد؛ دست از سر آدمی بر نمی دارد. هر چه باشد و به هر علت؛ جسمی باشد یا روانی، موضعی باشد یا سیستمی؛ تفاوتی ندارد. هر چه دیرتر به صرافت درمانش بیفتی، سخت جان تر می شود و جانکاه تر. اینها که گفته شد، بدیهیات اولیه اند. هر کس با درک معمولی نیز اینها را می داند. پس چرا برخی به جای پذیرش بیماری، یا به کلی انکارش می کنند یا به هر شگردی می کوشند پنهانش کنند؟! من از میان دلیل و علت های گوناگون، دو عامل را با اهمیت تر می دانم: ۱- ترس ۲- شرم.

برخی از پذیرش بیماری می ترسند چون نگران چگونگی فرایند درمان و پیامدهای احتمالی آن هستند. همه بیماری ها که در قواره یک سرماخوردگی ساده یا دندان درد نیستند، تازه همین ناخوشی های ساده و دم دستی نیز، گاه کلی ماجرا دارد تا بهبودی، چه رسد به بیماری های نیازمند به جراحی و حتی گاه قطع عضو. اگر در گروه ناخوشی های روانی باشد که فرایند درمان، پیچیده تر و طولانی تر هم می شود، گاه تا مرز بستری و شوک، ترس از بیماری، گاه خطرناک تر و کشنده تر از خود بیماری است. این است که برخی، از ترس مرگ، می میزند. اما علاوه بر ترس، گاهی شرم (به مفهوم و معنایی گسترده تر از کمرویی و خجالت یا حتی حس تابویی)، عامل انکار یا پنهان سازی بیماری می شود. بیمار، احساس می کند با پذیرش و آشکار سازی بیماری اش دچار نوعی فروپاشی یا رسوایی اخلاقی و ارزشی می شود و از ستیغ چشم و دل دیگران با سر به زرقای بی اعتباری و پستی سقوط خواهد کرد. این است که به خیال خود، حفظ ظاهر می کند. غافل از اینکه با پس انداختن قبول واقعیت و اقدام برای درمان - که چه بسا اگر بهنگام باشد، ره به بهبودی و سلامت خواهد برد - اسب قافعه را چهارنعل می تازد به فرجامی بی برگشت.

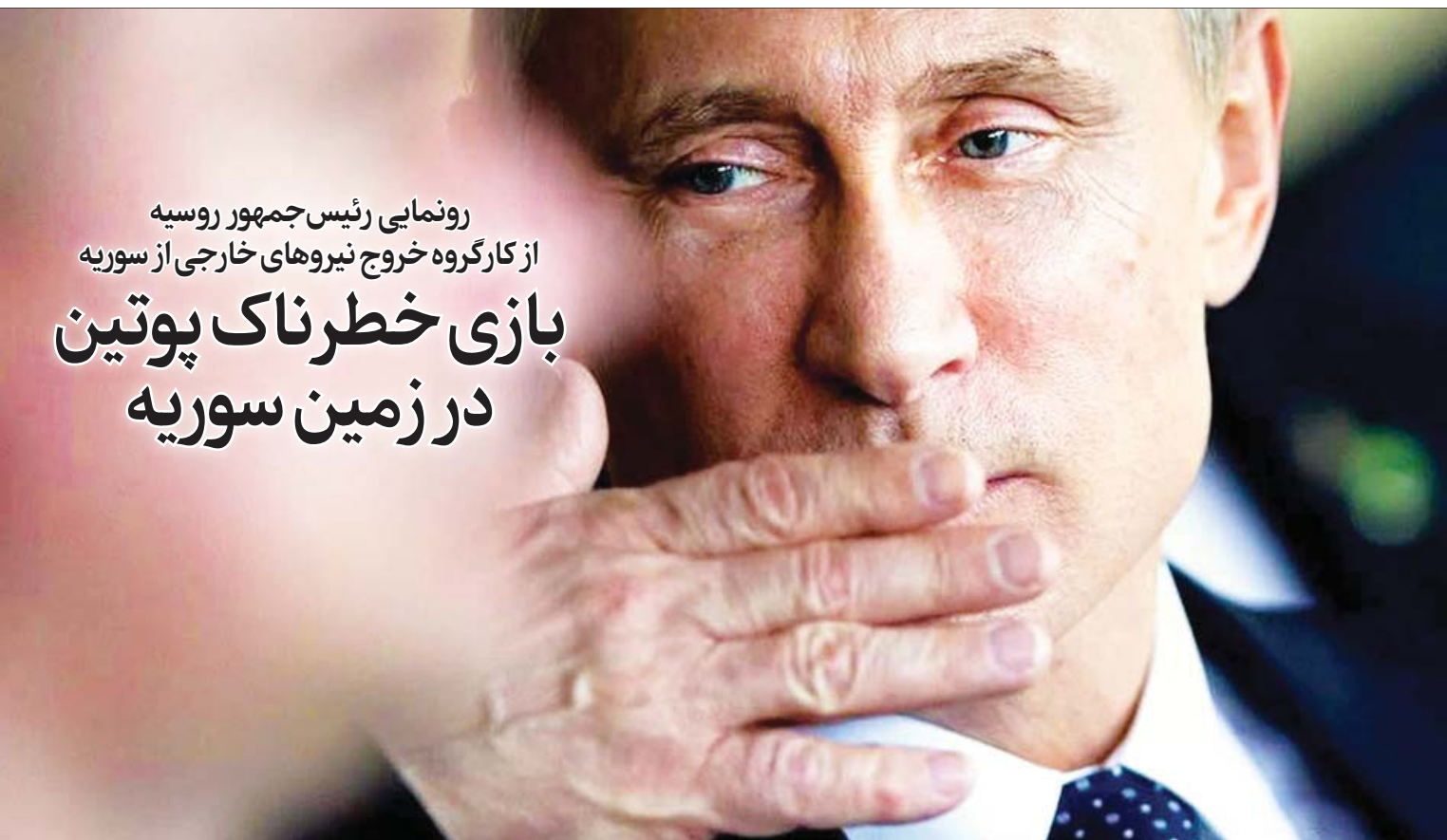
ادامه در صفحه ۴

درخواست فعالان سیاسی از مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره FATF

تصویب یا همه پرسى

مجمع تشخیص مصلحت در مسیر تقویت جمهور؟

صفحه ۶



رونمایی رئیس جمهور روسیه از کارگروه خروج نیروهای خارجی از سوریه بازی خطرناک پوتین در زمین سوریه

صفحه ۱۵

یادداشت

اقتصاد ایران و اقتصادهای جهانی

فعالیت تجاری، این است که اعضای هیئت مدیره اتاق می توانند نمایندگی بزرگ ترین و موفق ترین شرکت های صنعتی و تجاری جهان را از راه شرکت های تجاری خود یا با تشکیل شرکت های جدید با اعضای خانواده خود (زن های خوب!) به راحتی به دست آورند. کدام شرکت معتبر خارجی است که بخواهد به جای همکاری با اعضای بانفوذ اتاق بازرگانی، دعوت به همکاری با یک شرکت گمنام را بپذیرد؟ اما اینکه آقا زاده ها واقعاً زن های خوب هستند و اقتصاد را بهتر اداره می کنند یا نه، باید به سابقه امر مراجعه کرد. تا آنجا که می دانیم، هیچ کدام از فرزندان فردوسی، سعدی، حافظ، خیام و عطار نیشابوری شاعر نبودند و شاید با وجود تلاشی که کرده بودند، شاعر نشدند. حتی پسر نوح هم که با بدان بنشست، خاندان نبوتش گم شد. نفوذ و قدرت گروهی خاص در مدیریت اتاق - هرچند مورد اعتماد باشند- موجب شده است زن های خوب از یک سو تمایل به فعالیت بیشتر در سطح بین المللی پیدا کنند و از سوی دیگر، با کمک پدران محترم خود و دولت، دست روی صنایع و کارخانجات مصادره شده در زمینه های انرژی و پتروشیمی و... بگذارند و در صورت امکان، در تمرکز ثروت راهی را بپیمایند که اصحاب یک درصدی وال استریت و آقای ترامپ پیموه اند. این حرکت با سیاست حمایت از مستضعفان، مغایرت دارد. حمله اخیر دولت به یکی از برجسته ترین اعضای هیئت ریسسه اتاق در موضوع بازی با نرخ دلار، نمونه ای بارز از پدیده ناسالمی است که اگر واقعیت داشته باشد، در اقتصاد بخش خصولتی روی داده است.

ادامه در صفحه ۲

اقساط آن را در گذشته پرداخت کرده باشد. در ایران درصد بالایی از صاحبان املاک مالک خانه یا ملک خود هستند؛ ثروتی که در ملک حبس و مانع رونق اقتصادی شده است. نظام اقتصادی ایران تا هنگامی که به درآمد نفت نرسیده بود یک نظام فقیرانه اما همراه با بزرگ مالکی بود. این نظام مورد حمایت دولت ها بود، کما اینکه در دوره پهلوی دوم که اصلاحات ارضی صورت گرفت، بزرگان دینی با آن به مخالفت پرداختند. حمایت مالی تجارت داخلی و بین المللی در ایران تا زمانی که بانک شاهنشاهی با کمک انگلستان تأسیس شد، حتی تا پیش از انقلاب اسلامی توسط صراف ها صورت می گرفت که واحدهای کوچک و اعتباری داخلی بودند و به تجار (خرده فروشان تا تجار بین المللی) برای مبادلات خود وام می پرداختند. میزان وام را رقابت بازار تعیین می کرد و میان صرافان یکنواخت نبود. اما امروز درصد بسیار بالایی از امور مالی بازرگانان - چه ارزی چه ریالی- توسط بانک ها صورت می گیرد. نظام بانکی مدرن از غرب به ایران آمده است. اما سرمایه در ایران حبس است. اگر چه پیشینه تشکل بازرگانی در ایران به سال ۱۲۶۳ با نقش مؤثر حاج امین الضرب برمی گردد، اتاق بازرگانی به شکل امروزی آن در دوره پهلوی دوم شکل گرفت و عوامل دربار در آن نقش و نفوذ اساسی داشتند. پس از انقلاب اسلامی در ۴۰ سال پیش، کنترل اتاق به فرمان رهبر انقلاب از عوامل درباری سلب و به هیئت مؤتلفه اسلامی واگذار شد که مورد اعتماد بود. از آن تاریخ تاکنون ابعاد اتاق گسترش یافته اما ماهیت کار آن به دلیل افزایش سهم دولت در



احمد عظیمی بلور یان
استاد پیشین مریدند

اقتصاد ایران در نظام اقتصاد جهانی یک اقتصاد نقدی است. اقتصاد کشورهای صنعتی به ویژه اقتصاد آمریکا اعتباری است. خرید هر چیزی در ایران در صورتی میسر است که خریدار به اندازه بهای خرید جنس یا ملک پول نقد داشته باشد یا با فروشنده نسبت به نحوه پرداخت به صورت نقد و اقساط به توافق برسد، در غیر این صورت معامله ای صورت نمی گیرد. سند ملکی که به صورت نقد و اقساط فروخته می شود تا وصول آخرین قسط به نام فروشنده باقی می ماند. در فعالیت محدود معاملات ملکی از مسیر بانک رهنی، انجام معامله ملکی به صورت اقساط بلندمدت صورت می گیرد اما حجم این معاملات نسبت به خرید و فروش ملک در بازار آزاد ایران رقم بسیار کوچکی است. در مقایسه، در ایالات متحده آمریکا خرید ملک به صورت نقدی بسیار نادر است. همه معاملات ملکی از مسیر بانک صورت می گیرد. اگر خریدار ملک (خانه یا ملک اداری، نه زمین) توانایی پرداخت نقدی حدود ۲۰ درصد بهای ملک را داشته باشد و بتواند بقیه بهای ملک را بپردازد، بانک به او وام ۳۰ ساله یا ۱۵ ساله خواهد داد. همه بانک ها در آمریکا و اروپا بانک رهنی هستند و درصدها بهره خرید ملک از سه، چهار درصد تجاوز نمی کند. به عبارت دیگر هیچ خانه داری در آمریکا مالک خانه خود نیست مگر اینکه همه

برای درج تبلیغات خود در وبسایت روزنامه شرق با ما تماس بگیرید

دومین روزنامه پربازدید ایران در فضای مجازی



۸۸۱۹۳۹۷۹-۸۸۱۹۲۸۷۷

sharghdaily.ir

شب هادی خانیکی مسافر گفت وگو

با سخنرانی: اشرف پروچردی مصطفی ملکیان مصطفی معین احسان شریعتی سید محمد بهشتی شیرازی محمد جواد غلامرضا کاشی احمد مسجد جامعی محمد مهدی قربانی سید حسین سراج زاده مقصود فراسخواه و بخش هستند کوتاه * تو دیگری نیستی

رجوع به صفحه آخر

شرق در شانزدهمین سال انتشار منتشر می کند

دوازدهمین سالنامه شرق

به زودی ...